

در اندونزی

غلامرضا جلالی

بنیاد پژوهش‌های اسلامی - مدیر گروه تراجم و انساب

باز کردم و با هم کناری نشستیم. از او در خصوص شاخه‌های آیین بودا پرسیدم، گفت: بودیسم دو شاخه دارد؛ پیروان سنت ماهایانا در تبت، چین، ژاپن، کره و ویتنام، و پیروان تیروادا در سریلانکا، تایلند، برمه، لائوس و اندونزی زندگی می‌کنند. آن‌ها می‌گویند: برای دستیابی به عرفان باید بودا شوند، ولی پیروان تیروادا می‌گویند برای بودا شدن باید به عرفان دست یافت. در سنت ماهایانا هر فرد باید بودا شود.

او می‌گفت انسان در تاریکی است و برای دیدن اشیاء به نور نیاز دارد. انسان‌های بزرگ با حکمت‌های توسعه یافته به هم می‌رسند. بودیسم هرگز تغییر نمی‌کند. دین اجازه تغییر لباس به یک مونک نمی‌دهد. برای فهم مشکلات مونک بودن بهتر است

روز دوشنبه ۲۷ مهر ۱۳۸۸ (برابر با ۱۹ اکتبر ۲۰۰۹) برای شرکت در جشنواره بین‌المللی امام رضا ۷ در اندونزی، از مشهد عازم دوحه شدم. فرودگاه دوحه بسیار زیباست و از همه ملت‌ها افرادی را در این فرودگاه می‌توان یافت. باید چند ساعت در فرودگاه می‌ماندم تا نوبت پرواز بعدی به مقصد سنگاپور برسد.

گفت‌وگو با یک مونک بودایی

وقتی چشمم به یک مونک بودایی افتاد که او نیز مثل من منتظر پرواز بعدی است، با خود فکر کردم وقت مناسبی برای یک گفت‌وگوست. این گفت‌وگو برای من تنها به منظور آشنایی با اندیشه‌های بودا و بودائیان تلقی می‌شد. این بود که با او سر صحبت را

مردم به لباس روحانیت درآیند. این سنت در برمه و تایلند وجود دارد، ولی در سریلانکا رایج نیست. در تایلند بچه‌های کوچک مونک می‌شوند و این خوب است، ولی برای موزیک شدن لازم است آموزش طولانی ببینند. من برای همین سال‌های طولانی در کوه‌ها و جنگل زندگی کرده‌ام. این برای خالص کردن ذهن لازم است. در جنگل وظیفه نیست، ولی در شهر و خانه وظایف مختلف به سراغ انسان می‌آیند، به همین دلیل بودیسم به مونک‌ها اجازه ازدواج نمی‌دهد. من دوست ندارم بچه داشته باشم.

او توضیح می‌دهد: من ۵۲ ساله‌ام و دوست دارم با مردم زندگی کنم، مردم برای حل مشکل به من مراجعه می‌کنند، من در معبد به مردم درس می‌دهم، مونک‌ها در معبد زندگی می‌کنند و مردم غذای آن‌ها را فراهم می‌آورند. مردم غذا و میوه و پول را جلو خانه‌ها می‌گذارند و مونک‌ها از آنجا نیاز خود را تأمین می‌کنند. من برای تدریس از کتاب‌ها و متن‌ها استفاده می‌کنم. ما آن را «Tri-pitaka» یا کانون پالی (pali-canon) می‌نامیم.

متن پالی سه سبد و مشتمل بر سه قسمت است:

۱- وینه پتکه Vinaya pitaka (سبد

سلوک)؛

۲- سوت پتکه Sutta pitaka (سبد تعلیم)؛

۳- ابی دمه پتکه Abhidamma pitaka (سبد آیین برتر) یا دمه برتر.

ما تحصیل دوگانه داریم. در سریلانکا ما در دانشگاه ویژه مونک‌ها تحصیل می‌کنیم و اجازه‌نامه دریافت می‌کنیم و به تحصیلات جدید هم روی می‌آوریم.

از او می‌پرسم: از نظر شما مشکل اصلی انسان چیست؟ او بی‌درنگ می‌گوید: مشکل اصلی انسان خودباوری است. بودیسم به انسان می‌آموزد که از خود فراتر رود. بودا می‌گوید بزرگ‌ترین فتح، فتح ذهن است، انسان وقتی ذهن خود را فتح کرد به همه چیز دست می‌یابد.

او ادامه می‌دهد: ما بیش‌تر از نیاز خود هیچ چیز لازم نداریم، مردم آگاهی ندارند و برای داشتن چیزهاست که زندگی می‌کنند، ما موی سر را کوتاه می‌کنیم و همه روزه پارچه‌ای می‌پوشیم بدون دوخت و دوز و این زندگی ساده‌ای است.

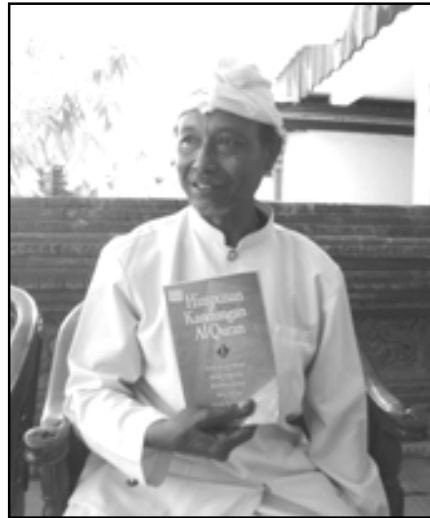
ما به دنیای دیگر باور داریم. اگر انسان کارهای خوب بکند، چیزهای خوبی را در حیات بعدی لمس خواهد کرد. بودا به خدا باور دارد. بودا دین نیآورد، او فقط راه را نشان داد. بودیسم راه مستقلى است.

بودیسم می‌گوید انسان وقتی انسان است که خوب باشد. من ساعت نمی‌بندم؛ چون مردم با خود می‌گویند چه معنی دارد که یک مونک ساعت داشته باشد. ما در طلوع آفتاب و غروب نماز می‌خوانیم. ما در نماز خود کلماتی را به کار می‌بریم. این کلمات به آموزه‌های بودا مربوط می‌شود.

خوردن غذاها به خود انسان بستگی دارد. ما کتاب مطالعه می‌کنیم و از خواندن آن‌ها لذت می‌بریم. مرور به آثار تاریخی را مهم می‌دانیم؛ چون می‌توانیم یاد بگیریم. من در هند، برمه، تایلند، اندونزی، کره و استرالیا بوده‌ام. ما می‌توانیم به دیدار دوستانمان برویم. من و برادرم برای آموختن تاریخ به مصر رفتیم، ما درباره هر چیزی می‌توانیم بنویسیم، ولی من بیش‌تر درباره بودیسم نوشته‌ام. زبان متون اصلی ما پالی است و ما باید زبان پالی را فرا بگیریم. ما حدود ۳۴ متن دینی داریم.

در سنگاپور و جاکارتا

ساعت ۱:۵۰ دقیقه به وقت محلی از دوحه پرواز کردم. هواپیمای قطری فوق مدرن و بسیار شیک بود و مسیر پرواز سنگاپور را نشان می‌داد، ما پس از ۶۴۸۰ کیلومتر پرواز بر فراز اقیانوس هند و عبور از



بزرگ‌ترین آموزه بودا این است که زندگی راه است، بودیسم فلسفه و آزادی است، بودیسم با این حال بودیسم است.

هر کس به قدر وسع خود با بودا آشنا می‌شود. برای دستیابی به واقعیت باید به تجربه پرداخت؛ به حکمت نیاز است نه شناخت. شناخت مهم نیست. ما همه می‌دانیم که لیوان شیشه‌ای روزی خواهد شکست. با این حال از شکستن آن ناراحت می‌شویم. این شناخت «Knowledge» است نه «Wisdom». تجربه حکمت‌افزاست. بودا سخنان زیادی درباره تاریخ دارد. او می‌گوید به جای اندیشه درباره جهان و دیگران به خود بیندیش؛ چون آن‌ها پایان ندارند، ولی تو پایان داری.

کوالالامپور در ساعت ۱۴:۴۵ به وقت محلی در سنگاپور بر زمین نشستیم. فرودگاه ضمن حفظ زیبایی بی نظیر خود بسیار مدرن بود. افسوس که حضور ما در سنگاپور بیش از یک ساعت دوام نیاورد و لازم بود برای پرواز به جاکارتا بار دیگر به هواپیمای قطری برگردیم. هنوز در فرودگاه جاکارتا مستقر نشده‌ایم که آقای محمد رضا ربانی رایزن جمهوری اسلامی ایران در اندونزی را می‌بینم و با هم به هتل می‌رویم.

اندونزی با برخورداری از گروه‌های فرهنگی و زبانی زیاد و به عنوان بزرگ‌ترین کشور مسلمان، دارای بیش از ۳۰۰۰ جزیره و ۱/۹۱۹/۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت و ۲۳۴ میلیون نفر جمعیت است.

اندونزی از واژه لاتین «Indus» به معنی هند و واژه یونانی «mesos» به معنی جزیره گرفته شده است.^۱ در سده هجدهم جرج ارل (George Earl) از اتباع انگلیس، این نام را بر روی این مجمع‌الجزایر نهاد. این نام نشانه قرار گرفتن مجمع‌الجزایر این منطقه در اقیانوس هند بود، ولی در آن زمان بیش‌تر محققان اروپایی این مجمع‌الجزایر را به نام

ملایونیزیا (Malayunesia) می‌خواندند. از سده نوزدهم اندونزی نشانگر کشور کنونی شد. اندونزی در اوایل قرن دهم هجری تحت تأثیر آیین‌های هندو و بودایی بود، از قرن پانزدهم میلادی این کشور مدتی تحت استعمار پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها و سپس هلندی‌ها و ژاپنی‌ها قرار گرفت، تا این‌که در سال‌های ۱۹۴۲-۱۹۴۵ میلادی علیه نفوذ دولت‌های دیگر برانگیخته شد. با این‌حال، اقتصاد سرمایه‌داری در این کشور و کشورهای دیگر جنوب شرقی آسیا جا گرفت. به‌ویژه این‌که در تمام این دوره سوماترا منبع مهمی برای صدور محصولات کشاورزی و جنگلی بود و مدارس هلندی در همه جا دایر بود.

در پایان قرن نوزدهم برای ساکنان مجمع‌الجزایر اندونزی روشن شد که نظام سرمایه‌داری رفاه بومیان را تأمین نمی‌کند. از این پس به تدریج توجه مردم این ناحیه به حرکت‌های اسلامی معطوف شد که یکی از گسترده‌ترین آن‌ها انقلاب اسلامی ایران بوده است.

شیعه در اندونزی

اولین سلطنت اسلامی را در اندونزی سلطان علاء‌الدین سید مولانا عبدالعزیز شاه

1. Tomascik, t,ma,ah,j. a,Nontji, A, Moos, M.K (1996). The Ecology of the Indonesian Seas-Part One. Hong Kong: Periplus Editions Ltd.. ISBN 962-593-078-7.

در پرلاک سوماترا بنیان‌گذاری کرد^۱ و اولین دولت اسلامی را در جاوه در دیماک (Demak)، سلطان رادن فتح (Raden Fatah) معروف به شاه عالم اکبر در سال ۱۴۷۸م تأسیس کرد.

اولین مسلمانی که اسلام را با خود به جزیره جاوه برد، مولانا ملک ابراهیم کاشانی بود. وی سال ۱۳۹۹ به شهر گریسیک (Gresik) در جاوه شرقی رفت. در جاوه مرکزی و مالوکو هم تاجران ایرانی اسلام را معرفی کردند. آنان تشیع را با خود به میان مردم بردند. و فاطمیان تشیع را در میننگ کبار ترویج می‌کردند و بیش از دویست سال (۱۳۳۹-۱۱۲۸م) در این منطقه حکم راندند.

بدین‌سان اولیای جاوه از خاندان اهل بیت بودند؛ چنان‌که بر سنگ مزار حسام‌الدین نایینی (م ۱۴۲۰م) واقع در آچه (Ache) سوماترا، شعر سعدی نقش بسته است^۲. بیش‌تر شاهان آچه، از سادات و شیعه بودند.

علمای ایرانی چون امیر شریف شیرازی

از قضات دوره سلطان محمد ملک الظاهر (۱۳۲۶-۱۲۹۷م) و تاج‌الدین اصفهانی در زمان سلطان احمد ملک‌الظاهر (۱۳۲۶-۱۳۷۱م) در سلطنت اسلامی پاسبه در اندونزی حضور داشتند و ابن بطوطه در سال ۷۸۷ق بعضی از آن‌ها را در اندونزی ملاقات کرده است. او می‌نویسد: نایب ارتش دریای پاسبه (wakil Laksamana) نیز یک ایرانی به نام بهروز بود. وی از ملک ظاهر، پادشاه جاوه و عروس پسر وی سخن گفته است^۳.

اندونزی با حضور سادات و فعالیت‌های آنان با اندیشه‌های اسلامی آشنا شد. گفته می‌شود که گروه از اولیای جاوه به شرح زیر از سادات بودند:

- ۱- مولانا ملک ابراهیم کاشانی؛
- ۲- سنن رادن رحمت؛
- ۳- سنن بونانگ راون مولانا مخدوم ابراهیم؛
- ۴- سنن‌گیری رادن پاکوپرا بوسلطان عبدالفقیه؛
- ۵- سنن درجات شریف‌الدین؛
- ۶- سنن کالی جاگا رادن محمد سعید؛

۳. سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه دکتر محمد علی موحد، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۷۵۸-۷۶۰.

۱. تأثیر زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی در زبان و ادبیات و فرهنگ اندونزی، پایان‌نامه دکتری، محمد ظفر اقبال، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ش، ص ۱۶.
۲. همان.

۷- سنن قدس یعنی جعفر صادق؛

۸- سنن موریادان عمر سعید؛

۹- سنن گننگ جانی شریف هدایت‌الله^۱.

بجز این‌ها در دهکده پامیجاهان (pamijahan) نزدیک شهر تاسک ملایا (Taasik Malaya) مقبره شیخ عبدالمحیی ولی‌الله قرار دارد که او نیز از سادات بوده است.^۲ در سوماترای شمالی آرامگاه سید شریف خیر ابن امیر علی استرآبادی (متوفی ۸۳۳ق) هم موجود است.^۳

در زمان سلطان منصور شاه (۱۴۵۶-۱۴۷۷م) ملاکا (Malaka) مرکز علم و ادب بود و مولانا ابوبکر کتاب *درالمنظوم* نوشته ابواسحاق شیرازی را به ملاکا برد. در سمدراپاسه عالم دینی مخدوم فتح خان این کتاب را به ملایو ترجمه کرد.^۴ مؤلف کتاب *سجارا ملایو* (تاریخ ملایو) می‌نویسد: در سال ۱۵۱۱م حکایت محمد حنفیه، پسر امام علی را برای سپاه ملاکا خوانده بودند تا آن‌ها تحت تأثیر این حکایت دلیرانه با سپاه پرتغال

جنگ کنند.^۵

در دربار ملاکا مردم کلاهی بر سر می‌گذاشتند که دستار نامیده می‌شد و شبیه کلاه ایرانیان بود و کاخ سلطان را آستانه می‌نامیدند و مهراداری چپ مهر (Cap Mohor) نامیده می‌شد. بیش‌تر تجار ایرانی این بخش، از خراسان بودند.^۶

سلسله روحانیون ستاریه که شیعه بودند، در میننگ کبا و سوماترا توسط شیخ برهان‌الدین معرفی شده بودند.

پایه‌گذار سلاطین ملاکا شخصی به نام جعفر از فرزندان حضرت صادق^۷ بود. او در محرم سال ۴۷۰ق به ملاکا رفت و با نورصفایک، شاهدخت محلی ازدواج کرد.^۸

بیش‌تر سادات علوی از منطقه حضرموت یمن به اندونزی رفتند.^۹ هجرت آنان در قرن‌های ۱۷-۲۰ به این منطقه در چند مرحله اتفاق افتاد.

علما و سادات شیعی در اندونزی مرکزی علمی به نام «pesantren» پسترن (حوزه

۱. تأثیر زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی در زبان و ادبیات و فرهنگ اندونزی، ص ۱۷ و ۱۸.
۲. همان.
۳. همان.
۴. همان، ص ۲۷.

۵. همان، ص ۱۱۱.
۶. محمد ظفر اقبال، نمود فرهنگ ایران در فرهنگ و ادب اندونزی، *مجله آسنا*، تهران، مرداد و شهریور ۱۳۷۳ش، ص ۱۸.
۷. همان، ص ۱۷.
۸. همان، ص ۲۲.

علمیه) تأسیس کردند.

تابوت گردانی در میان مردم اندونزی شبیه مراسم ایرانیان در این ایام است. آن‌ها ماه محرم را سورا (عاشورا) می‌نامند.

عرفان و ادب فارسی در اندونزی

تصوف و عرفان در اندونزی از تاریخ و پیشینه طولانی برخوردار است. شیخ عبدالخیر ابن حجر، حمزه فنسوری صوفی (متوفی ۱۶۰۷م) یا شیخ سیتی جنار (sitijenar) در آچه فعال بودند.

حمزه فنصوری نخستین شاعر فارسی‌زبان اندونزی است. او وحدت وجودی بود. رساله‌های *شراب‌العاشین* و *اسرار‌العارفین، المتهی و رباعیات* از آثار اوست. او در نیمه دوم قرن شانزدهم و نیمه اول قرن هفدهم میلادی می‌زیست و در سال ۱۶۳۰ میلادی درگذشت.^۳

تأثیر زبان و ادبیات فارسی در اندونزی تا عصر حاضر مشهود است. عناوین پادشاهان آچه و ملایو ایرانی است. بیش‌تر ادبیات پارینه ایران به زبان ملایو ترجمه شده است. واژه‌هایی مثل بندر و ناخدا از قرن‌ها پیش در اندونزی رایج بوده است و این از حضور دریانوردان ایرانی در این منطقه حکایت دارد.

۳. همان، ص ۳۱۷.

این امور نشانه حضور فعال سادات و زبان فارسی در اندونزی و تأثیر بسیار گسترده این دو عامل در رواج تشیع است که توانسته در میان فرهنگ‌های دیگر جایی برای خود و طرح دیدگاه‌های خود داشته باشد. اندونزیایی‌ها سادات را که عموماً در این کشور از فرزندان امام حسین ۷ هستند، حبیب و سید می‌نامند و تعداد آن‌ها در اندونزی بیش از یک میلیون نفر است که بیش‌تر آن‌ها در نهادهای اسلامی این کشور فعالیت دارند و مردم احترام ویژه‌ای برای سادات قائل هستند.^۱

همه ساله در نواحی مختلف اندونزی مراسم عزاداری محرم برگزار می‌شود و آن‌ها غذای مخصوص می‌پزند و میان مردم تقسیم می‌کنند. این غذا آش ایرانی است که در جاوه بوبور سورو و در آچه کانجی عاشورا نامیده می‌شود.^۲ رسم شبیه‌خوانی یا

1. Umar Hadi, Abdul Muti, etal. Islam in INDONESIA, Directorate of public Diplomacy of the Department of Foreign-Affairs of the Republic of Indonesia, Jalan Taman pejambon NO 6. Glakarta pusat in co Dperation with centre For Dialogue among civilisationj (CDec) First publishing: 2009, October.

۲. تأثیر زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی در زبان و ادبیات و فرهنگ اندونزی، ص ۷.

در کتاب:

«The Background of IRAN-INDONESIA RELATIONS»

اثر «Mohammad Kh. H. Azad» نزدیک به چهارصد واژه فارسی در زبان اندونزی شناسایی و معرفی شده است.

تأثیر ایران در فرهنگ اندونزی بیش‌تر از راه ادبیات و عرفان اتفاق افتاده است. تصوف ایرانی برای صوفیان جنوب شرقی آسیا جذابیت تام داشته است؛ اما اختلاف میان عرفا و قضات سبب از میان رفتن عرفان شد. فتوای شیخ نورالدین رانیری قاضی القضاة حکومت اسلامی آنچه علیه پیروان وحدت وجود، موجب از میان رفتن پیروان این جریان شد.

بعد از انقلاب اسلامی ایران موج تازه‌ای از افکار امام خمینی و شماری از متفکران ایرانی همچون علامه طباطبایی، علی شریعتی و مرتضی مطهری به اندونزی راه یافت و تعدادی از جوانان اندونزی برای تحصیل به ایران آمدند و در حوزه‌های قم و مشهد حضور یافتند؛ چنان‌که در شهرهای مهم اندونزی مثل جاکارتا، بوگر، دپوک، باندونگ، یکالونگان و بنگلی نیز مراکز شیعی تأسیس شد و فعالیت‌های گوناگون فرهنگی آغاز گردید.

بیش‌تر حرکت‌های جهان اسلام در

اندونزی بازتاب یافته است. امروز طرفداران ایران و پیروان وهابیت و اخوانی‌ها در اندونزی فعالیت دارند.

امروزه دانشگاه‌ها و مؤسسات گوناگونی در اندونزی فعال هستند. «محمدیه» مجموعه مدارس و جریان آموزش‌های اسلامی نوین است که در ۱۹۱۲م به همت «Ahmad Dahlan» (متوفی ۱۹۲۳م) تأسیس شد.

دیدار با دانشگاهیان

روز ۲۲ اکتبر در محل فرهنگی جمهوری اسلامی در دانشگاه اصول دین با تنی چند از اساتید دپارتمان ادیان تطبیقی در دانشکده فلسفه و اصول دین دیدار کردم. پروفیسور «H. Rifgi Muhammad. MA, M. Ikhsan Tanggok» از این افراد بودند. خانم «ida Rosyidah» نیز که تحصیل کرده دانشگاه اوهایوی آمریکا بود در جمع اساتید حضور داشت. بحث‌هایی دربارهٔ ادیان تطبیقی داشتیم و من حوزه این بحث را بیش‌تر در تطبیق ادیان کهن در ایران دانستم و گفتم در وضعیت کنونی به ادیان نوظهور و مباحث تطبیقی ادیان موجود در ایران نیز اهمیت داده می‌شود.

بیش از یک ساعت گفت‌وگو با اساتید ادامه یافت. آن‌ها مجله پژوهشی «Refleksi» ژورنال فلسفه را در اختیارم گذاشتند که

مقالات آن‌ها نیز در این مجله به چاپ می‌رسد. این مجله به زبان‌های اندونزیایی و انگلیسی چاپ می‌شود.

بعد از ظهر همراه مصطفی بتوا (Mustofa Bintuwah) منشی سفارت به مرکز فرهنگی ایران ICC رفتیم. این مرکز بسیار شیک و بزرگ بود و نمایشگاه‌های کتاب و پوسترهای ارسالی آستان قدس با استقبال کم‌نظیری مواجه شده بود. من در طبقه دوم به وسیله مسئول مرکز که یک سید اندونزی است به سمت سالن اصلی هدایت شدم. **حجة الاسلام والمسلمین شیخ جواد ابراهیمی**، نماینده مقام معظم رهبری و امام جماعت آن‌جا است. دعای کمیل خوانده شد، من پس از معرفی توسط مترجم، درباره پیام‌های اصلی حضرت رضا 7 به سخنرانی پرداختم و مترجم آن را به زبان اندونزیایی ترجمه کرد. شیعیان استقبال خوبی کرده، همگان به مطالب ارائه شده گوش می‌دادند، تا این‌که بحث به پایان رسید. من در این بحث نشان دادم که امام رضا 7 تعقل را مبدأ تخلق می‌داند و معتقد است انسان برای دستیابی به اخلاق باید درباره خود، خدا و قدرت او در حوزه‌های طبیعت، جامعه، تاریخ و انسان موضع استدلالی و قابل دفاع داشته باشد. این تعقل سیستماتیک است که

انسان را به تخلق می‌کشد و ثمرات ده‌گانه آن که در بیانات امام رضا 7 بازتاب یافته الزامی است.

دکتر کمال‌وند سفیر ایران در ICC پس از من به سخنرانی پرداخت. او گفت: حجم تعامل ما با اندونزی به یک میلیارد دلار رسیده است. در هر موضوع بین‌المللی اندونزی کنار ایران ایستاده است. مهم‌ترین موضوع در مسئله حمایت اندونزی از ایران و شکست اجماع شورای حکام است و از آن زمان توانستند علیه ایران تحریم بیش‌تری داشته باشند. من در همه دیدارهای خود از اندونزی تشکر کرده‌ام. پالایشگاه پانتن حاصل همکاری‌های مشترک ایران و اندونزی است. در هفته گذشته هیأتی از ایران داشتیم که در هوا فضا و علوم جدید ایران با هم به مذاکره پرداختیم. ایران پیشرفته‌ترین علوم خود را در اختیار اندونزی می‌گذارد و این به خاطر همکاری طرفین است. صدها هیأت در این سه سال سفارت من، رد و بدل شده است. همکاری‌های بعدی باید این راه را ادامه بدهند. مهم این است که زیرساخت‌ها فراهم شده و اراده رهبران دو کشور مبنی بر تعامل در همه عرصه‌ها است. اندونزی کشوری بزرگ است و آینده‌ای بسیار خوب خواهد داشت؛ چون از منابع

طبیعی، انسانی و سیاسی بالایی برخوردار است.

یکی از اساتید اندونزی در دانشگاه مسیحی سخنانی می‌کرده، یک دانشجو پرسیده علت پیشرفت ایران چه بود، من گفتم: سرمایه‌گذاری روی آموزش و علوم بوده است، ولی جواب ریشه‌ای‌تر این است که برای هر حرکتی قدرت لازم است و در علوم سیاسی قدرت، گردآوری منابع قدرت است و قدرت را به زور و تزویر خلاصه می‌کنند.

اگر قدرت نداشته باشی چگونه می‌توانی آن را به دست آوری؟ از نظر من با خواستن است. خواستن برابر است با داشتن. هر چقدر بخواهید، می‌توانید داشته باشید. امام خمینی این مسئله را از زاویه دینی توضیح داد. کشورهای قدرتمند می‌کوشند به کشورهای دیگر القا کنند که آن‌ها نمی‌توانند. اگر این کشورها پذیرفتند، آن‌گاه هر منبع قدرتی را که داشته باشند، تا خودشان نخواهند، نخواهند توانست به دست آورند. پس باید به مردم اعتماد به نفس داد که شما می‌توانید. امام از منظر دینی به این مسئله نگرست و آموخت که انسان‌ها می‌توانند. من فکر می‌کنم اندونزی می‌تواند؛ چون از همه منابع برخوردار است.

ساعت ۹ صبح مصطفی بستوا از دفتر پذیرش هتل زنگ زد و من چند دقیقه بعد در لابی بودم و با هم به دانشگاه محمدیه رفتیم. این دانشگاه در همین روزها جشن یک‌صدمین سال تأسیس خود را در پیش دارد. چند تن از مسئولان دانشگاه به استقبال آمدند و در یکی از دپارتمان‌ها به گفت‌وگو پرداختیم. دکتر احدین، دکتر نوری، دکتر محمد البصر و Hadi lan, E Ndang Zuaria از کسانی بودند که در جلسه گفت‌وگو حضور داشتند. گفت‌وگو درباره دانشگاه محمدیه و رشته‌ها و امکان همکاری‌ها ادامه یافت. آن‌ها نشان دانشگاه را به من اهدا کردند و من همراه دوستان در نماز جمعه دانشگاه شرکت کردم. امام جماعت مسجد یک روحانی جوان‌سال بود.

بعد از ظهر در یک دیدار دوستانه با منشی سفارت و با مهندسی به نام «ir. Syahril Nizal, MM» آن‌ها از من خواستند تصویر خودم را از ایران امروز ارائه دهم و من توضیحاتی دادم؛ از جمله گفتم ایران یک کشور کهن، و دارای فرهنگی بزرگ است و پس از استقلال، هر خطایی که می‌کند به خودش برمی‌گردد، چنان‌که پیشرفتش نیز از آن خودش است. آن‌ها می‌گفتند ثروت اندونزی در اختیار

۱۷٪ از مرفهان است و بقیه مردم فقیر هستند و سهمی از پیشرفت کشور ندارند و نفوذ آمریکا و کشورهای اروپایی محسوس است. مردم در شرایط روحی نامناسبی قرار دارند و دولت برای آن‌ها کاری انجام نمی‌دهد.

من گفتم: راه شما شرکت در توسعه کشور و بالا بردن سطح تحصیلات و تشکیل انجیوها است. اگر ما هیچ کتاب و CD مناسبی درباره معرفی مالازی در بازار کتاب نمی‌بینیم، همه به دولت بر نمی‌گردد، بلکه مؤسسه‌های خصوصی نیز می‌توانند سهم مناسبی در توسعه فرهنگی کشور خود داشته باشند. چاپ چند جلد کتاب خوب به زبان انگلیسی یا فیلم‌برداری از آثار تاریخی، دینی و فرهنگی مردم تنها به دولت بر نمی‌گردد. من تأکید کردم: شما برای تغییر در وضعیت فرهنگی خود به احیای اندیشه دینی، احیای فلسفه خودی، احیای علوم و دانش‌ها، بومی‌سازی علوم و احیای هنرها و اسطوره‌های خود در قالب‌های نوین نیاز دارید. این امور حیات تازه‌ای به فرهنگ شما می‌دهد. مهم‌ترین موفقیت ایران، تلفیق دین و دولت بود. این امر راز ماندگاری دولت‌ها است.

دیدار از یک معبد چینی

صبح روز بعد همراه منشی سفارت قرار بود به باغ وحش اندونزی برویم، ولی با پیشنهاد من به دیدار چند معبد ادیان دیگر رفتیم. اولین معبد «vihara Bahtera» بود که به چینی‌ها تعلق داشت. وقتی داخل معبد شدیم، به صورت بهت‌انگیزی دیدم این معبد تلفیقی از سه دین کنفوسیوس، اسلام و بودیسم است.

بنیاد معبد به دفن یک زن مسلمان و شوهرش که یک دریادار چینی بود برمی‌گشت. زن «IBU-sitiwati» نام داشت و نام شوهر «Sampostswi Sogisoe» بود. این چینی مسلمان شد و با همسر خود ازدواج کرد. آن‌ها حدود پانصد سال پیش در این مکان دفن شدند و قبر هر دو معلوم است. در اتاق دیگر قبر «Konotjotia Sino» سازنده معبد قرار داشت و در یک اتاق نیز پدر و مادر زن مسلمان، که از آچه اندونزی بودند.

در داخل یکی از اتاق‌ها چوب‌دستی بلندی در اختیار مسئول معبد قرار داشت که افراد علاقه‌مند دستان خود را به‌طور کامل باز می‌کردند و با چوب اندازه‌گیری و با کشی علامت‌گذاری می‌شد و راهبی که چوب را در اختیار داشت به عبادت مشغول می‌شد و پس از دعاهایی بار دیگر دست آن فرد را اندازه می‌گرفت؛ اگر دست‌ها درازتر شده

بودند، نشان می‌داد که از عمر وی زیاد مانده است و اگر کوتاه شده بودند، نشان می‌داد که وی عمر کوتاهی دارد.

افراد به صورت نمادین پول خود را درون کوره آتش می‌ریختند تا در حیات اخروی از آثار آن برخوردار شوند و برای آموزش نیاکان خود طبل می‌نواختند و در اتاقی نیز تندیس بودا قرار داشت، در حالی که کنار او خانمی بود که گفته می‌شد استاد بودا بوده است. سنت شمع‌سوزی، اجاق و نیایش برای آه‌رزش مردگان و دعا برای کامیابی در زندگی را در آن‌جا می‌شد دید.

دیدار با یک برهمن

معبد بعدی در «Miniator Garden» قرار داشت. این باغ سیمای کلی اندونزی و جزایر مختلف آن از جمله «sumatera» را نشان می‌داد.

بیش‌تر وقت ما به بازدید از معبد برهمنان سپری شد. راهب این معبد « Nyoman sudi cgood» نام داشت. بر فراز اوتار (بنای مرتفع دینی برهمایی) علامت صلیب شکسته به چشم می‌خورد. این علامت در بالاترین نقطه معبد بر روی کرسی جایگاه برهمن نیز قرار داشت.

در این باره از راهب پرسیدم، او گفت:

صلیب شکسته علامت لوتوس و برهمن است و اوتار نیز علامت کوه، طبیعت و نیز لوتوس است. بالاترین مرتبه جهان طبیعت به کرسی برهمن تعلق دارد و همه طبیعت در اختیار لوتوس است.

معبد به برهمنان بالی اختصاصی داشت. آن‌ها بیست معبد دیگر نیز در جاکارتا دارند. آن‌ها روحانی خود را «pemanglw» یا «pandita» به معنی امام و روحانی می‌نامند. برهمنان همیشه لباس سفید می‌پوشند و در مراتب پایین ازدواج می‌کنند، ولی در مراتب بالایی روحانی که «pinamdi» خوانده می‌شود فعالیت جنسی را کنار می‌گذارند. آن‌ها مفسران ریگ‌ودها، مهابارات‌ها و اپانشادها هستند.

از نظر آن‌ها علامت صلیب شکسته، علامت خورشید یا حرکت و چرخش نیز هست و در نقطه مرکزی آن برهمن قرار دارد و چهار خط، نشانه چهار بُعد زندگی است و بخش شکسته نشانگر اقسام خلایق.

در آن‌جا با دکتری به نام « DR. Irwayan Koster, MM» آشنا شدیم. او دکترای فرهنگ و گردشگری داشت.

روز دوم نوامبر ساعت ۴ صبح، طبق قرار با آقای ربانی، رایزن جمهوری اسلامی ایران در اندونزی، از خواب برخاستم و پس از

شنیدن صدای مؤذن نماز خواندم و ساعت ۵ صبح همراه ایشان و راننده که زین العابدین نام داشت - و به زبان محلی زیدون می‌گفتند عازم بندونگ (Bandung) شدیم. قرار بود در دانشگاه اسلامی این شهر «Universitas Islam Nigeri Sunan Gunung Djati» در همایش بین‌المللی گفت‌وگوی ادیان شرکت کنیم. پس از دو ساعت رانندگی در بزرگراه بسیار زیبا و جنگلی به شهر بندونگ رسیدیم. شهر مملو از جمعیت بود و با این‌که یک خیابان اصلی بیش‌تر نداشت، ترافیک ماشین و ده‌ها هزار موتور بیداد می‌کرد. سعی کردیم خودمان را به کوه آتشفشانی برسانیم که از دور دیده می‌شد، ولی زمان کم بود. ساعت ۹ همایش شروع شد و رئیس دانشکده اصول دین سخنرانی کرد و در آن از حضور رایزن و من قدرانی نمود، پس از آن، رایزن ایران مدیر همایش سخنرانی کوتاهی کردند، سپس از برادر توماس، من و آقای مفتاح فوزی رحمت دعوت کردند تا بحث خود را شروع کنیم. توماس برای گفت‌وگو مسیحیت را به سه دوره تقسیم کرد: دوره‌ای که مسیحیت هیچ کس دیگر را بجز مسیحیان نمی‌پذیرفت، دوره‌ای که معتقدان به ادیان توحیدی را نیز پذیرفت و دوره‌ای که همه معتقدان به خدا را

می‌پذیرد و وضعیت پست مدرن را وضعیت جدید برای مسیحیت دانست.

من مختصری به وضعیت ادیان و فرّق و مذاهب موجود در خراسان در عصر امام رضا 7 و نیز گفتمان دینی در آن دوره اشاره کردم و گفتم ما اگر بخواهیم با ادیان دیگر به گفتمان پردازیم، باید از نقطه اشتراک همه ادیان به‌ویژه ادیان ابراهیمی - که توحید است - آغاز کنیم و گفت‌وگو در فروع ثمری ندارد. مفتاح فوزی ضمن تأیید بسیاری از صحبت‌های من به گوشه‌هایی از گفتمان کنونی ادیان اشاره کرد. ناهار مهمان دانشگاه بودیم و پس از خواندن نماز، حدود ساعت ۳ بعدازظهر به خانه رسیدیم.

روز سوم نوامبر پس از گشتی در شهر جاکارتا و بازدید از آکواریوم این شهر همراه آقای ربانی به فرودگاه جاکارتا آمدم، وقت وداع بود، از هم خداحافظی کردیم و من روز چهارم نوامبر از راهی که رفته بودم، ساعت ۱۷:۳۰ به وقت محلی به مشهد بازگشتم.